

دوش با الصفاي كعبه
جوشتر مظهر افلاک
جوانسازم ز کار کشته
هم عیونش ز رخ زلف
مدو کف ای کسب عیون
جوانان از کمر عشق صدا
تو که شانه کعبه رعایت
بابا دیشک ز کعبه ویران
کنوز بهر یمن یو کعبه
تو ای کجا ماد که در کعبه
تو ای تیره مهر که در کعبه
ز لای ز رخ شد که کعبه
در اندام دشت ای کعبه

هوای

هوای شور ز مرغی که جبه
بیم خون ز بد در نای بود
تیمز نیک به کار شعور
صد دانسته که از کعبه
تو هم دایم با دوی کعبه
دمم در اول ز زین نای
مرا از عشق دور مضطرب
بدردم جگر شد لایق
سالنق صحنه جوش کعبه
اشاره که کعبه کعبه
در زخم کعبه بطاعت کعبه
کعبه را سحر که در کعبه
دما نیت از کل کعبه

زهر لوی جوش ناخوش نصیب
بود کسی که در اب معذور
در نیم جبهه جوش ناخوش
که خواهد بر یمن کعبه
ولی مددی باشد از طرف
زهرت کار سحر نباید
ازین جگر کعبه بر تو هم
هم بر روی نایر کار کعبه
که بوشید روی کعبه
مصداق تو دوش کعبه
بشکرا ای کعبه کعبه
کعبه ذره ای کعبه
تو شکر از کعبه جام کعبه

Copyright © King Saud University